

تصویر ۱: از عوامل مهم در انتخاب مکان زیست، رابطه عاطفی است که اشخاص با همسایگان و افراد آن محل دارند. مأخذ: آرشینو پژوهشکده نظر.





مهرداد کریمی مشاور،
پژوهشگر دکتری معماری

Mehrdad Krimi
Moshaver, Ph.D
Candidate of Architecture.
mkmoshaver@yahoo.com

دلبستگی مکانی

بررسی مفهومی و کارکردی

مقدمه

دلبستگی مکانی، پیوندی است که بین افراد و محیط‌های معنادار آنها رخ می‌دهد و در سال‌های اخیر توجه محافل علمی زیادی را به خود جلب کرده است. بخشی از این توجه ناشی از آگاهی است که پیوندهای مکان - شخص به دلیل جهانی‌سازی و افزایش قابلیت جابجایی، شکننده‌تر شده است و بخش دیگر مربوط به مسایل محیطی است که وجود مکان‌های بااهمیت برای ما و ارتباطات ما با آنها را بیش از حد تهدید می‌کند. دلبستگی مکانی همچنین به خاطر ارتباطش با بسیاری از فرایندهای حائز اهمیت، ارزش مطالعه را دارد. به عنوان مثال بررسی دلبستگی مکانی به عنوان پیوندی هیجانی می‌تواند آشفتگی و غم ابراز شده توسط افرادی که مجبور به نقل مکان هستند را روشن‌تر سازد. همچنین می‌توان معنای مکان و دلبستگی به آن را برای برنامه‌ریزی و ترغیب استفاده از فضاهای عمومی همچون پارک‌ها نیز بکار گرفت (Scannell & Gifford, 2010:1).

دلبستگی مکانی به مطالعه ادراک محیطی نیز مرتبط است؛ به طوری که افراد دلبسته حس بالایی از امنیت را تجربه می‌کنند، حتی وقتی مکان آنها در منطقه جنگی واقع شده باشد (Billig, 2006: 249). در مقیاسی کوچک‌تر نیز، دلبستگی به همسایگی با کاهش ارتکاب جرمی چون خرید و فروش مواد مخدر، فعالیت تبهکارانه، قاچاق و غیره و به دنبال آن القای ترس کمتر در محلات همراه است.

از آنجایی که شیوه مداخلات مکانی اعم از نوسازی، بهسازی و ... امکان دارد گاه موجب آسیب‌دیدگی دلبستگی مکانی نیز شود، بنابراین تحقیق قصد دارد با معرفی معیارهای دلبستگی مکانی بر الزام توجه به این موضوعات در مداخلات مکانی تأکید ورزد.

فرضیه

در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مکانی بایست معیاری تحت عنوان «دلبستگی مکانی» مدنظر قرار گیرد؛ این معیار می‌تواند در ایجاد حس امنیت مکان و همچنین حس هدفمندی و انسجام در اشخاص مرتبط با مکان مؤثر باشد.

تعاریف پایه

کاربرد دلبستگی مکانی در بسیاری از حوزه‌ها، منجر به تعاریف فراوانی از آن شده است. در اغلب موارد، پژوهشگران، دلبستگی مکانی را به عنوان مفهومی چندجانبه به تصویر می‌کشند که مشخصه آن پیوند بین افراد و مکان‌های با اهمیت آنها است. به طور مثال جغرافی‌دانان انسان‌گرا معتقدند که پیوند با فضای معنادار، یا «حس مکان» پیوند عاطفی عمومی است که نیازهای اساسی انسان را محقق می‌سازد (Relph, 1976).

برخی دیگر از محققان اشاره دارند که حس مکان یا خرده مفاهیم هویت مکانی، دلبستگی مکانی و وابستگی مکانی را در بر می‌گیرد یا پیوندهای اجدادی و حسی؛ مشابه حس «خودی» بودن، و تمایل برای ماندن در مکان را شامل می‌شود. جامعه‌شناسان شهری و دانشمندان حوزه اجتماع، دلبستگی را در سطوح شهر، خانه، و همسایگی قرار می‌دهند. حتی در رشته‌های علمی، الگوهای تعریف از دلبستگی مکانی متفاوت است، به عنوان مثال، چنین اظهار شده که دلبستگی مکانی بر ویژگی‌های اجتماعی و ویژگی‌های فیزیکی به تنهایی یا هر دو متکی است.

این تنوع در حوزه تعریف، توجه فزاینده به دلبستگی مکانی را منعکس می‌سازد و می‌توان آن را به عنوان پیشرفت در توسعه نظری این مفهوم تصور نمود. اگرچه پژوهشگران بر فرایندها، مکان‌ها و افراد متفاوت دخیل در پیوند شخص - مکان تأکید

چکیده: در تعریف اجمالی دلبستگی مکانی به عنوان مفهومی جدید، می‌توان گفت؛ پیوندی است میان شخص و محیط که ابعاد مختلف انسانی و مکانی آن از ویژگی‌های خاصی نیز برخوردار است. اگرچه ابعاد دلبستگی مکانی وابستگی بسیاری به مسایل اجتماعی دارد؛ اما در ابعاد مکانی آن می‌توان قابلیت‌هایی را ارائه نمود که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای عمومی در شهرها نیز مورد استفاده قرار گیرد. از مهم‌ترین کارکردهای دلبستگی مکانی می‌توان به ایجاد امنیت در محیط، هدفمندی در اشخاص و ایجاد انسجام زمانی اشاره کرد. «رلف»،^۱ «گیفورد»،^۲ «مزمودار»،^۳ «گیلیانی»،^۴ «لو»^۵ و «آلتمن»^۶ از صاحب‌نظران بنام این حوزه بشمار می‌روند. این نوشتار قصد دارد با ارائه تعریفی جامع و ساده از دلبستگی مکانی، نمونه‌ای از کارکردهای آن را نیز توضیح دهد.

واژگان کلیدی: دلبستگی مکانی، بعد مکانی، معنا، کارکرد.

Place Attachment

A functional and conceptual study

Abstract: Place attachment is a concept which has been the core of many discussions recently. It can be briefly defined as a linkage between the person and the place. Although place attachment depends on the social issues, considering its place dimensions can help in planning the public spaces of the cities. The most usage of place attachment can be mentioned is safety, security and in the place.

Relph, Gifford, Low, Altman, Mazumdar, and Giuliani are the key authors that have studied about this title. The purpose of this paper is to define place attachment and its usage.

Keywords: Place attachment, place dimension, meaning, usage.

تصویر ۲: افراد به مکان‌هایی
 دل‌بسته می‌شوند که روابط
 اجتماعی و هویت گروهی را
 تسهیل می‌کند. ویژگی‌هایی
 همچون تراکم، مجاورت
 با امکانات رفاهی و سایر
 عرصه‌های اجتماعی بر این
 تعاملات تأثیرگذار است.
 مأخذ: آرشیو پژوهشکده
 نظر.

داشته‌اند، اما پراکندگی این تعاریف در آثار موجود، باعث شده توسعه نظری این مفهوم هنوز مورد تأیید قرار نگرفته باشد.
 در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مورد تعریف دل‌بستگی مکانی توافقی حاصل نشده است، اما مطالب علمی پرداخته شده به این موضوع، اهمیت آن را به عنوان یکی از متغیرهای مکانی تأیید می‌نماید.
 براساس مشترکات مطالعات انجام‌شده در موضوع دل‌بستگی مکانی می‌توان این موضوع را از ۳ جنبه مورد بررسی قرار داد که در ادامه، این نوشتار نیز بر اساس همین سه وجه به معرفی ماهیت و متغیرهای دل‌بستگی مکانی می‌پردازد.

دل‌بستگی مکانی

دل‌بستگی مکانی به عنوان مفهومی چندبعدی با ابعاد ۱- شخصی، ۲- فرایند روانشناختی و ۳- مکانی، مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۱). اولین بعد، کنش‌گر است: چه کسی دل‌بسته است؟ تا چه حد دل‌بستگی بر مفاهیمی که فرد یا جمع به آن اعتقاد دارد، مبتنی است؟ دومین بعد، فرایند روانشناختی است: چگونه عاطفه، شناخت و رفتار در دل‌بستگی نمود می‌یابد؟ و سومین بعد، عبارت است از شی مورد دل‌بستگی که مشخصات مکان را شامل می‌شود: دل‌بستگی و ماهیت این مکان چیست؟ (Scannell & Gifford, 2010:2).

دل‌بستگی مکانی						
مکانی		شخصی			فرایند روانشناختی	
اجتماعی	فیزیکی	فردی	جمعی / فرهنگی	رفتار	شناخت	عاطفه
عرصه اجتماعی نماد اجتماعی	طبیعی مصنوع	تجربه وقایع مهم	مذهبی تاریخی	حفظ حریم‌ها بازسازی مکان	خاطره دانش معنا	شادی غرور عشق

جدول ۱- دل‌بستگی مکانی به عنوان مفهومی چند بعدی مأخذ: (Scannell & Gifford, 2010: 2).

بعد شخصی (فردی و جمعی)

قسمت عمده بحث دل‌بستگی مکانی را بعد شخصی شکل می‌دهد. بر اساس ماهیت دل‌بستگی مکانی، این مفهوم پیوندهایی را در بر می‌گیرد که اشخاص چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی با مکان پرورش می‌دهند. به همین دلیل در این بعد از دل‌بستگی مکانی تجربیات شخصی و گروهی در مکان مورد نظر، مورد توجه قرار می‌گیرد.
 دل‌بستگی مکانی در هر دو سطح فردی و گروهی رخ می‌دهد، و اگرچه تعاریف‌کنندگان این واژه تمایل دارند بر برتری یکی از اینها بر دیگری تأکید نمایند؛ ولی هر دو می‌تواند با یکدیگر همپوشانی داشته باشد. در سطح فردی، این مقوله شامل ارتباطات شخصی فرد با مکان می‌شود. مثلاً محیط‌هایی که خاطرات شخصی را برمی‌انگیزد و تصور می‌شود این نوع دل‌بستگی مکانی در ایجاد حس ثابت شخصی نیز سهیم باشد (Twigger-Ross & Uzzell, 1996: 205).

به همین ترتیب، مکان‌ها به واسطه تجربیات مهم شخصی، همچون نقاط عطف (مثلاً جایی که برای اولین بار شخص با اهمیتی را ملاقات کرده‌ایم) و تجربیاتی از رشد شخصی، معنا دار می‌شوند. همچنان‌که مانزو (۲۰۰۵) در مطالعه خود در مورد تجربیات



و مکان‌هایی که معنای مکان را ایجاد می‌کنند، اشاره دارد که "صرفاً خود مکان‌ها حائز اهمیت نیست، بلکه آنچه می‌توان آن را «تجربه - در- مکان» نامید، اهمیت دارد و معنا را ایجاد می‌کند" اگرچه سایر نظریه‌پردازان معتقدند که مشخصات مکان، مکمل ایجاد معنای مکان است، اما این استدلال که تجربیات فردی می‌تواند مبنایی برای دل‌بستگی باشد، از اهمیت برخوردار است (Scannell & Gifford, 2010: 2) در سطح گروهی، دل‌بستگی، شامل معانی نمادین مشترک از مکان در بین اعضاء است. دل‌بستگی مکانی با چارچوب گروهی در فرهنگ‌ها، جنسیت‌ها و مذاهب متفاوت است؛ به گونه‌ای که در آن، گروه‌ها به مناطقی دل‌بسته می‌شوند که می‌توانند در آنها به فرهنگ‌های خود عمل نمایند و از این رو آن را حفظ نمایند. فرهنگ، اعضا را از طریق تجربیات، ارزش‌ها و نمادهای تاریخی مشترک، به مکان مرتبط می‌سازد.

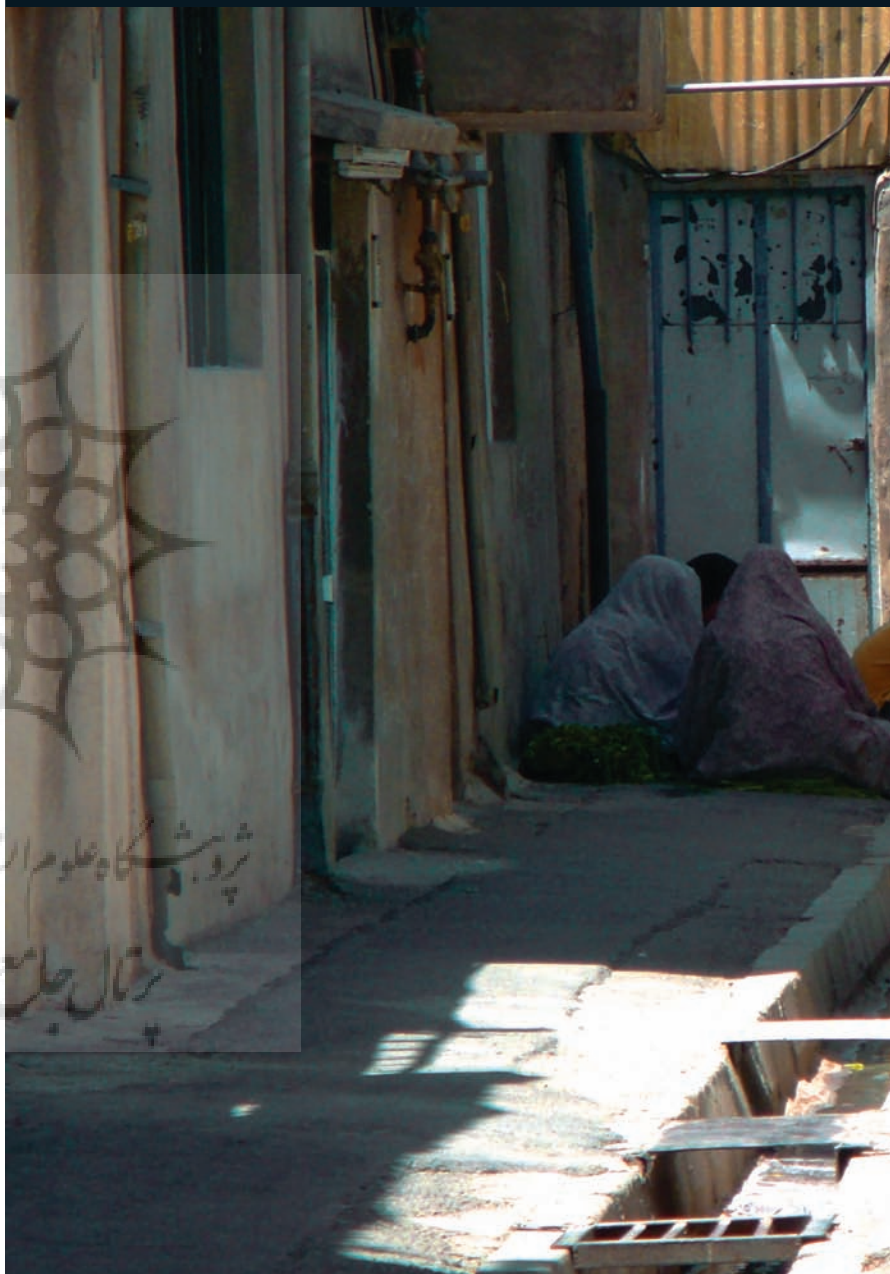
محققان گمان می‌کنند که معانی متفاوتی از رویدادهای تاریخی، مذهب و سایر تجربیات مشترک در بین اعضاء یک جامعه شکل می‌گیرد و به نسل‌های آتی انتقال می‌یابد. علاوه بر این، دل‌بستگی مکانی می‌تواند اساسی مذهبی داشته باشد که به واسطه مذهب، معانی مکان‌های ویژه به مرتبه‌ای مقدس ارتقا می‌یابد. (Mazumdar & Mazumdar, 2004: 386).

مساجد، کلیساها، معابد، زیارتگاه‌ها، محل‌های خاکسپاری یا مکان‌هایی با ماهیت الهی، نقش اساسی در بسیاری از مذاهب دارد که معانی مقدس آنها در بین پرستش‌کنندگان مشترک است. به طوری که نه تنها چنین مکان‌هایی، پرستش‌کنندگان را به خدای‌شان نزدیک‌تر می‌سازد؛ بلکه تکریم این مکان‌ها و حفاظت از آنها ضرورتاً وفاداری فرهنگی فرد را نیز منعکس می‌سازد. همچنین ارتباطات مذهبی با مکان می‌تواند کاملاً فردی باشد؛ به عبارتی به واسطه تجربیات شخصی اهمیت روحانی بیابد. بنابراین سطوح فردی و جمعی دل‌بستگی مکانی کاملاً مستقل نیست. معانی و ارزش‌های مکان فرهنگی بر میزان دل‌بستگی مکانی فرد تأثیر دارد و تجربیات فردی در درون مکان، در صورت مثبت بودن، می‌تواند دل‌بستگی مکانی فرهنگی را حفظ نموده و احتمالاً تحکیم بخشد (Scannell & Gifford, 2010: 2).

علاوه بر مسایل فرهنگی، نمادین یا ارزشی می‌توان به تجربیات جمعی و گروهی اجتماعات مختلف در مکان نیز اشاره کرد که در آن اهمیت یک رخداد یا تجربه برای اهالی یک گروه حائز اهمیت است، به طور مثال می‌توان به تجربه پیروزی یا شکست تیم ورزشی یک محله در این مورد اشاره کرد که موجب می‌شود دل‌بستگی مکانی با یادآوری خاطرات خوش یا بد، متفاوت باشد.

فرایند روانشناختی

دومین بعد دل‌بستگی مکانی به روشی که بدان ترتیب افراد و گروه‌ها با مکان ارتباط برقرار می‌کنند و ماهیت تعاملات روانشناختی که در محیط‌های حائز اهمیت برای آنها رخ می‌دهد، مرتبط است. طبق نظر برخی محققان، جنبه روانشناختی دل‌بستگی مکانی، همان حس مکان است. سه جنبه روانشناختی دل‌بستگی مکانی، عبارت است از عاطفه، شناخت و رفتار. برخی تعاریف هر سه این اجزا را شامل می‌شود و برخی دیگر تنها بر یک یا دو مورد از آنها تأکید می‌ورزد. این نوع سازماندهی دل‌بستگی مکانی با سایر مفاهیم روانشناختی اجتماعی همچون نگرش‌ها و تعصب که به واسطه اجزای عاطفی، شناختی و رفتاری تشخیص داده می‌شود، مشترک است. در صورتی که اشخاص در انتخاب مکان‌های مورد علاقه خویش اختیار





دلبستگی مکانی، مفهومی نوین است که در پیوند میان انسان و محیط قرار دارد و با ابعاد مختلف شخصیتی، روانشناختی و مکانی و کارکردهای متنوع در تصمیم‌گیری‌های شهری حائز اهمیت توجه است.

Place attachment is a new concept in linkage between human and environment with the varied dimensions (such as personal, psychological and place dimension) and usages (such as safety, security and...), and today has an important role in urban decision systems.



داشته باشند، یکی از عوامل مهم در این انتخاب، رابطه‌ای است که اشخاص با افراد آن محل دارند یا به گونه‌ای که اشخاص تمایل دارند به مکان‌هایی نقل مکان کنند که رابطه عاطفی مناسبی با همسایگان در آن مکان داشته باشند (تصویر ۱).

بعد مکانی

شاید مهم‌ترین بعد دلبستگی مکانی، خود مکان باشد. مکانی که ما با آن رابطه داریم چه نوع مکانی است؟ این بعد در مقیاس‌های جغرافیایی متنوع مورد بررسی قرار گرفته و اساساً به دو سطح تقسیم‌بندی شده است: دلبستگی مکانی اجتماعی و فیزیکی. هیدالگو و هراندز (۲۰۰۱) سطوح فیزیکی و اجتماعی دلبستگی مکانی را در سه سطح متفاوت فضایی (خانه، همسایگی، و شهر) اندازه‌گیری کردند. آنها دریافتند که این سطوح دارای شدت دلبستگی متفاوت است: دلبستگی مکانی بیشتر در مورد سطوح خانه و شهر نسبت به سطح همسایگی وجود داشت و بعد اجتماعی دلبستگی مکانی نسبت به بعد فیزیکی قوی‌تر بود. با این وجود، هیدالگو و هراندز تأکید دارند که دلبستگی‌های اجتماعی و فیزیکی هر دو بر پیوند کلی تأثیر می‌گذارند و به هنگام اندازه‌گیری دلبستگی مکانی، سطح فضایی باید مدنظر قرار گیرد. دلبستگی اجتماعی یا «پیوند داشتن»؛ روابط اجتماعی، تعلق خاطر داشتن به همسایگی و آشنایی با ساکنین هم نوع و کودکان همسایگی را نیز شامل می‌شود و دلبستگی فیزیکی یا «ریشه داشتن» به واسطه طول سکونت، مالکیت، و برنامه‌ریزی‌های موجود برای ماندن، پیش‌بینی می‌شود (Scannell & Gifford, 2010: 4).

با این وجود، بیشتر پژوهش‌های انجام پذیرفته در مورد دلبستگی مکانی (و مفاهیم مرتبط) بر جنبه اجتماعی آن تمرکز داشته است. افراد به مکان‌هایی دلبسته هستند که روابط اجتماعی و هویت گروهی را تسهیل می‌کنند. در مطالعه‌ای بر روی دلبستگی در یکی از همسایگی‌های شهری که بر توانایی برای تعامل دایم با خویشاوندان مبتنی بود، مشخص شد ویژگی‌های فیزیکی، همچون تراکم، مجاورت و وجود امکانات رفاهی و سایر عرصه‌های اجتماعی بر این تعاملات نیز تأثیرگذار است. اما وقتی دلبستگی به سمت سایر افرادی که در مکان زندگی می‌کنند و به سمت جنبه‌هایی از خود مکان هدایت شود؛ چنین تصور می‌شود که آن پیوندی مکانی با اساس اجتماعی است و بر اساس نظر جامعه‌شناسان شهری، دلبستگی مکانی ضرورتاً اجتماعی است و بدین ترتیب گاهی اوقات با «حس اجتماع» مقایسه شده یا تلفیق می‌شود (تصویر ۲).

ولیکن بدیهی است دلبستگی می‌تواند بر ویژگی‌های فیزیکی مکان متکی باشد. به عنوان مثال، تعریف وابستگی مکانی، مشخصات فیزیکی مکان را به عنوان عامل اساسی برای دلبستگی روشن می‌سازد زیرا انواع مکان‌هایی که افراد، معنادار تصور می‌کنند، نشانگر طیف گسترده‌ای از محیط‌های فیزیکی است؛ از محیط‌های مصنوعی همچون خانه، خیابان‌ها، ساختمان‌های ویژه، و محیط‌های داخلی غیر مسکونی گرفته تا محیط‌های طبیعی همچون دریاچه‌ها، پارک‌ها، کوره‌راه‌ها، جنگل‌ها و کوه‌ها (Manzo, 2005).

اما چگونه ویژگی‌های فیزیکی بر شکل‌گیری دلبستگی مکانی تأثیر می‌گذارد؟ مدل معنا محور دلبستگی مکانی (Stedman, 2003) اشاره دارد که افراد مستقیماً دلبسته ویژگی‌های فیزیکی مکان نمی‌شوند، بلکه به معنای نمادین این ویژگی‌ها دلبسته می‌شوند. «استدمن» نشان داد چگونه منطقه‌ای توسعه‌یافته می‌تواند نماد «احتیاج» باشد، یا منطقه توسعه‌نیافته می‌تواند نماد «صحرا» باشد. جنبه‌های فیزیکی معنای احتمالی مکان را محدود می‌سازد و از این رو دلبستگی مکانی در ابعاد فیزیکی بر این معنای نمادین متکی است.

پی‌نوشت

۱. Relph .
 ۲. Gifford .
 ۳. Mazumdar .
 ۴. Giuliani .
 ۵. Low .
 ۶. Altman .
 ۷. Experience-in-place .
 ۸. Meaning-mediated .

منابع

• آرشبو پژوهشکده نظر.

- Billig, M. (2006) Is my home my castle? Place attachment, risk perception, and religious faith. *Environment and Behavior*, 38, 248–265.
- Mazumdar, S., & Mazumdar, S. (2004) Religion and place attachment: a study of sacred places. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 385–397.
- Manzo, L. C. (2005) For better or worse: exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 67–86.
- Relph, E. (1976) *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
- Scannell, Leila & Gifford, Robert (2010) Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 1-10.
- Stedman, R. (2003) Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*, 16, 671–685.
- Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L. (1996) Place and identity processes. *Journal of Environmental Psychology*, 16, 205–220.

کارکردهای دل‌بستگی مکانی

دل‌بستگی مکانی، پیوندی است بین فرد یا گروه و مکانی که می‌تواند از لحاظ سطح فضایی، میزان اختصاصی بودن، و ویژگی‌های فیزیکی یا اجتماعی مکان متغیر باشد، و از طریق فرایندهای روانشناختی عاطفی، شناختی و رفتاری نمودار شود. ولیکن این سؤال که چرا افراد چنان پیوندهای روانشناختی پایداری با مکان ایجاد می‌کنند، همچنان باقی است. به احتمال زیاد، پیوندهای دل‌بستگی مکانی بدین دلیل وجود دارند که چندین کارکرد را ارائه می‌دهند. از بین مواردی که در آثار موجود در مورد آنها تأمل شده است، معمول‌ترین کارکردها عبارت است از بقا و امنیت، هدفمندی، و انسجام زمانی یا شخصی (Scannell & Gifford, 2010: 5).

یک منظر می‌تواند این باشد که دل‌بستگی مکانی بدین دلیل پدیدار می‌آید که مکان‌های ویژه، مزایایی برای بقا دارد. با استفاده از این چارچوب، ما می‌توانیم این منظر را به عنوان منظری طبقه‌بندی نماییم که بر جنبه‌های فیزیکی مکان تأکید دارد. اما امنیت به تنهایی، دل‌بستگی مکانی را کاملاً توضیح نمی‌دهد و معمولاً افراد به مکان‌هایی دل‌بسته می‌شوند که از پیگیری اهدافشان حمایت می‌کند. به این ترتیب مکان مطلوب، پناهگاه امنی است که در آن افراد می‌توانند برای اجرای اهداف خود برنامه‌ریزی نمایند.

همچنین پیوندهای مکانی به مرور زمان انسجام را فراهم می‌آورند. این کارکرد، از دل‌بستگی فرد به مکان نشأت می‌گیرد که به واسطه خاطرات و ارتباطات با گذشته به طرز نمادین معنادار می‌شود. مثلاً ممکن است ما به خانه‌های دوران کودکی مان دل‌بسته باشیم یا به مکان‌هایی که به نظر می‌رسد ما را به افرادی که از دست داده‌ایم مرتبط می‌سازد. از این رو مکان به عنوان نمود فیزیکی رویدادهای مهم به کار می‌رود و آنها را حفظ می‌نماید. به این ترتیب، مکان‌ها به مرور زمان با یادآوری رویدادهایی که در گذشته در آنها رخ داده است و با فراهم آوردن امکان مقایسه گذشته و حال برای افراد، انسجام را ایجاد می‌کند در این حالت، محیط، نمایانگر بخشی از تاریخچه شخصی فرد می‌شود (Scannell & Gifford, 2010: 5).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشخص شد دل‌بستگی به مکان دارای سه بعد اصلی روانشناختی، شخصی و مکانی است. آنچه در این نوشتار بر روی آن تأکید می‌شود بحث مکانی دل‌بستگی است. دل‌بستگی مکانی از این بعد حائز اهمیت است که در تصمیم‌گیری‌های شهری باید مد نظر قرار گیرد. به طور مثال در تصمیم‌گیری برای مداخله در بافت‌های شهری باید توجه نمود که آیا بعد مکانی دل‌بستگی در صورت مداخلات آسیب خواهد دید؟ به همین دلیل نباید مداخلات در بافت‌های شهری با توجیه نوسازی یا بهبود کیفیت موجب شود دل‌بستگی‌های مکانی آسیب پذیرد. زیرا با آسیب‌پذیری دل‌بستگی مکانی سایر کارکردهای آن نیز همچون امنیت، هدفمندی و انسجام زمانی و مکانی نیز دچار آسیب می‌شود ■